



نسب و تغییر جنسیت در گذرگاه حقوق

پدیدآورنده (ها): کریمی نیا، محمد مهدی

حقوق :: نشریه نقد کتاب فقه و حقوق :: تابستان ۱۳۹۴ - شماره ۲

صفحات : از ۱۳ تا ۲۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1113506>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۵/۰۴/۰۸

کاربر گرامی، فایل دانلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- سیاست جنسیت در ایران معاصر: نقش دولت در تغییر وضعیت و حقوق زنان (۱۳۹۲-۱۳۷۰)
- آثار تغییر جنسیت پس از عقد نکاح در حقوق ایران و فقه امامیه
- وضعیت تغییر جنسیت در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا
- بررسی آثار حقوقی تغییر جنسیت زوجین در عقد نکاح در فقه و حقوق ایران
- آثار حقوقی تغییر جنسیت زوجین در عقد نکاح در فقه و حقوق ایران
- آثار کیفری مترتب بر تغییر جنسیت در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه
- تغییر جنسیت در حقوق ایران و فقه امامیه
- نگاهی جرم شناختی به تأثیر تغییر جنسیت در کانون خانواده از منظر فقه و حقوق کیفری
- تاثیر تغییر جنسیت در ارث از دیدگاه مذاهب اسلامی و حقوق ایران
- آثار و احکام تغییر جنسیت مرد در فقه و حقوق موضوعه

نسب و تغییر جنسیت در گذرگاه حقوق

مروری بر کتاب «مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه»

● دکتر محمد مهدی کریمی نیا

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم / Kariminiya2003@yahoo.com

چکیده

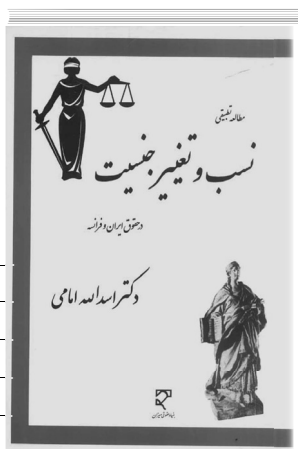
مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، اثر دکتر اسدالله امامی عنوان کتابی است که سال ۱۳۹۲ شمسی به زیور طبع آراسته شده است. نویسنده این اثر که از حقوق دانان برجسته کشور است، دو عنوان مهم حقوقی یعنی: ۱. نسب؛ ۲. تغییر جنسیت را از منظر حقوق ایران و فرانسه مورد مطالعه تطبیقی قرار داده است. اگرچه نویسنده محترم تلاش شایسته‌ای در تدوین کتاب انجام داده، ولی به برخی اشکالات ظاهری و محتوایی اشاره شده که کوشش در رفع آن در چاپ‌های بعدی، ارزش‌های این اثر گرانبه را به کمال خواهد رساند.

کلیدواژه:

نسب، تغییر جنسیت، فرزندخواندگی، قرابت خانوادگی، نسب ناشی از شبهه، نسب ناشی از زنا، اهداء جنین، لقاح مصنوعی.

مقدمه (موضوع مطرح در کتاب):

اخیراً کتاب ارزشمندی درباره دو عنوان مهم فقهی و حقوقی؛ یعنی نسب و تغییر جنسیت، تحت عنوان: مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه روانه بازار شده است. این اثر، کار ابتکاری یکی از حقوق دانان کشور است که مباحث مهمی را در ذیل بحث «نسب» در خود جای داده است؛ مانند نسب مشروع، نسب ناشی از شبهه، نسب ناشی از زنا، نسب ناشی از لقاح مصنوعی، نسب ناشی از اهداء جنین، فرزندخواندگی و در پایان کتاب، بحث تغییر جنسیت در حجم ۵۱ صفحه مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است. اهمیت این اثر، هم به لحاظ توجه به دو بحث حقوقی مهم و هم به ملاحظه تطبیق بین حقوق ایران و فرانسه است. علاوه بر این، نویسنده تلاش کرده فراتر از عنوان مندرج در روی جلد کتاب، نسب و تغییر جنسیت را از منظر



■ امامی، اسدالله. مطالعه تطبیقی نسب

و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه:

با الحاقات و اضافات. تهران: میزان.

۱۳۹۲. ۵۶۰ صفحه. ۲۲۰۰۰۰ ریال.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۴۴۷-۱

فقه امامیه نیز مورد بررسی قرار دهد. راقم این سطور با ادب و تواضع تمام به این استاد حقوق، به برخی از اشکالات شکلی و محتوایی این اثر ارزشمند توجه کرده که این امر، نه از جهت تنقیص آن، بلکه به جهت توجه دادن به رفع نواقص در چاپ‌های بعدی است.

مباحث عمده در توصیف کتاب:

مطالب این قسمت در ضمن ۶ بند در ادامه آورده می‌شود:

کتاب‌شناسی

عنوان کتاب: مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه به قلم دکتر اسدالله امامی، تهران: میزان، ۱۳۹۲، چاپ اول، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه، ۵۶۰ صفحه، به قیمت ۲۲۰۰۰۰ ریال، فاقد نمودار یا تصویر در متن کتاب.

جلد کتاب به رنگ سفید، دارای نوار آبی‌رنگ در حاشیه و پایین جلد. علاوه بر این، روی جلد، تصویر دو انسان نیز دیده می‌شود: تصویر اول، در سمت چپ و بالای آن است که در دست راست وی یک شمشیر است و در دست چپ او یک ترازو. در تصویر دوم که در پایین و در سمت راست واقع شده، انسانی است که در دست راستش کتابی باز شده، وجود دارد که دارای برخی نقوش است و با دست چپ خود عبا یا لباس بلندش را به خود جمع کرده است.

پشت جلد، تصویر دکتر امامی در حالی که خندان به نظر می‌رسد، نقش بسته و علاوه بر آن، به طور مختصر زندگی‌نامه علمی وی شرح داده شده است.

نویسنده اثر

نویسنده اثر، دکتر اسدالله امامی، قاضی سابق دادگستری، عضو هیأت علمی

دانشگاه، عضو مؤسسه حقوق تطبیقی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، کارشناس رسمی در رشته ثبت شرکت‌ها، علائم تجاری و اختراعات و وکیل دادگستری، سال ۱۳۱۴ شمسی در سمنان متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر به پایان رساند. وی سال ۱۳۳۶ در رشته «حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی» دانشگاه تهران به تحصیلات خود ادامه داد و پس از اخذ دکتری در رشته «حقوق خصوصی و قضایی» در سال ۱۳۵۰ به تدریس حقوق مدنی و ادله اثبات دعوا در دانشکده حقوق دانشگاه تهران پرداخت. علاوه بر آن، در دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی کنونی)، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پلیس و دانشگاه پردیس قم (وابسته به دانشگاه تهران)، دانشگاه علوم قضایی وابسته به قوه قضائیه و دانشگاه امام صادق (ع) اقدام به تدریس حقوق مدنی، ادله اثبات دعوا و حقوق مالکیت معنوی کرد.

وی علاوه بر این کتاب، دارای تألیفاتی است از جمله: «حقوق مربوط به روابط موجر و مستأجر»، «حقوق مالکیت فکری و ادبی» و «حقوق مالکیت صنعتی»، همچنین دو جلد کتاب «حقوق خانواده» و یک جلد کتاب «مختصر حقوق خانواده» از تألیفات مشترک وی با دکتر سید حسین صفایی است.^۱

هدف و انگیزه از انتشار کتاب

نویسنده در پیش‌گفتار کتاب، اهمیت و ارزش کانون خانواده را بیان و آن‌گاه این سؤال را مطرح می‌کند که: «اعضاء خانواده، یعنی والدین چگونه و به چه ترتیب به ایجاد و رشد شخصیت فرزند خود، اقدام خواهند کرد و وظیفه سنگین خود را چگونه انجام خواهند داد؟»^۲

و در ادامه این پرسش را مطرح می‌کند که: «آیا حکومت‌ها و دولت‌ها در این زمینه، برنامه‌ریزی خاصی کرده‌اند و لازم دانسته‌اند که به جوانان آماده تشکیل خانواده، آموزش‌های مناسب داده شود؟ و آیا به این‌گونه افرادی که قصد ازدواج و انتخاب همسر برای تشکیل خانواده دارند، آموخته‌اند که وجود تفاهم بین زوجین، شرط اصلی و اساسی موفقیت در ازدواج و عاملی مهم در پرورش و تربیت مناسب فرزندان است؟ آیا به آنان تفهیم شده است این رفتار والدین است که نقش مهمی در تربیت اولیه اطفال دارد؟ آیا می‌دانند آنچه فرزندان از رفتار والدین خود می‌آموزند، در ضمیر آنان ضبط خواهد شد و در زندگی اجتماعی و در رفتار با دیگران، ناخودآگاه، مشابه رفتار والدین خود را به نوعی تکرار خواهند کرد؟ بدون تردید، در صورتی که بین زوجین تفاهم لازم وجود نداشته باشد، غالباً با یکدیگر رفتار مناسب نخواهند داشت و این رفتار نامناسب در روان فرزندان آنان تأثیر ناگواری می‌گذارد و زیان جبران‌ناپذیری به این‌گونه فرزندان و جامعه وارد خواهد ساخت»^۳.

و در جای دیگر می‌گوید: «آرامش و آسایش فردی و اجتماعی از جامعه رخت برپسته و فرهنگ و تمدن جامعه که با تلاش مستمر نسل‌ها و اندک اندک شکل

گرفته، در حال فروپاشی قرار گیرد که بسیار دردناک است».^۴ سطور بعدی پیش‌گفتار نیز می‌تواند به‌گونه‌ای اشاره به هدف انتشار کتاب باشد. نویسنده اثر می‌گوید: «در چاپ دوم کتاب حاضر تحت عنوان مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، با توجه به تحولات علمی، فرهنگی و اجتماعی، علاوه بر تجدیدنظر در مطالب چاپ اول، عناوین جدیدی نظیر: نسب ناشی از جنین اهدایی، رحم جایگزین یا رحم اجاره‌ای، تغییر جنسیت و آثار حقوقی آنها مورد بررسی قرار گرفته است.»

نویسنده در مقدمه این کتاب درخصوص انگیزه خود چنین می‌گوید: «انگیزه اصلی انتخاب این موضوع، اهمیت فردی و اجتماعی آن است؛ زیرا یکی از آرزوهای هر کس تشکیل خانواده و دارا شدن فرزند و اولاد است و آشنایی به مقررات مربوط به نسبت [نسب] و اولاد، به طور مسلم مورد توجه کلیه طبقات مردم خواهد بود و لازم است که این امر مهم حیاتی و اجتماعی، خصوصاً مسائل مستحدثه ای نظیر تلخیص مصنوعی، اهداء جنین، رحم اجاره‌ای و اطفال ناشی از آن که یکی از رهاوردهای تمدن امروزی و دانش جدید بشر است، مورد بحث و گفت‌وگو قرار گیرد، تا حقایق امر در این زمینه، حتی‌الامکان روشن گردد و از تغییر جنسیت افراد دوجنسی و دگرجنس جو و آثار حقوقی آن بحث لازم به عمل آید».^۵

محورهای اصلی کتاب

همان‌طور که گفته شد، این اثر درباره دو مسئله مهم حقوق؛ یعنی: ۱. «نسب» و ۲. «تغییر جنسیت» است که از منظر «حقوق ایران و حقوق فرانسه» به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. بحث نسب که حدود نهم حجم کتاب را به خود اختصاص داده، شامل: ۱. نسب مشروع؛ ۲. نسب ناشی از شبهه؛ ۳. نسب ناشی از زنا؛ ۴. نسب ناشی از لقاح مصنوعی؛ ۵. نسب ناشی از اهداء جنین و ۶. فرزندخواندگی است و در یک‌دهم حجم آخر کتاب، بحث «تغییر جنسیت» مورد بررسی قرار گرفته است.

نویسنده در مقدمه کتاب می‌گوید: «موضوع اصلی و اساسی کتاب حاضر، نسب و اولاد است. وقتی از اولاد و نسب سخن به میان می‌آوریم، بالطبع مسأله خانواده و روابط جنسی زن و مرد به ذهن متبادر خواهد شد».^۶ و در دو صفحه بعد و در همان مقدمه، تأکید می‌کند که: «همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم موضوع بحث این کتاب، نسب و اولاد است».^۷

جامعه مخاطبان

بحث «نسب و تغییر جنسیت» از مباحث فقهی و حقوقی است. علی‌القاعده، عالمان و متعلمان دانش فقه و دانش حقوق می‌توانند مخاطب این اثر باشند

بحث «نسب و تغییر جنسیت» از مباحث فقهی و حقوقی است. علی‌القاعده، عالمان و متعلمان دانش فقه و دانش حقوق می‌توانند مخاطب این اثر باشند

دانشجویان، طلاب و اساتید می‌توانند از مباحث این کتاب سود ببرند و از آنجایی که مباحث نسب و تغییر جنسیت از مباحث مهم حقوق خانواده است، قضات، وکلا و اصحاب دعوا نیز مخاطب آن هستند.

شناسایی جایگاه کتاب در حوزه موضوعی مورد بحث

با توجه به مطالب پیش‌گفته، تا اندازه‌ای جایگاه کتاب روشن می‌شود. از نظر نویسنده کتاب، جایگاه خانواده و شناخت روابط زوجین و فرزندان از مباحث مهم حقوقی هر کشور، از جمله ایران است که نیازمند بصیرت و شناخت ابعاد مختلف آن است. از نظر نویسنده اثر فوق‌الذکر، نسب و تغییر جنسیت از مباحث مهم حقوقی است که بحث «نسب» به تنهایی مشتمل بر مباحث مهم حقوقی دیگر است؛ مانند: ۱. نسب مشروع؛ ۲. نسب ناشی از شبهه؛ ۳. نسب ناشی از زنا؛ ۴. نسب ناشی از لقاح مصنوعی؛ ۵. نسب ناشی از اهدای جنین؛ ۶. فرزندخواندگی.

فصلنامه نقدکتاب

نقد و موقوف

سال اول، شماره ۲
تابستان ۱۳۹۴

۱۷

مباحث عمده در بررسی و نقد کتاب:

تصویر روی جلد

تصویر روی جلد به هیچ وجه متناسب با عنوان کتاب نیست. در گوشه سمت چپ بالای روی جلد مردی را نشان می‌دهد که در دست راستش، یک شمشیر در دست داشته و با دست چپش، یک ترازو را بلند کرده است؛ تصویری که در بیشتر کتاب‌های قانون یا کتب حقوقی نقش می‌بندد و نشان‌دهنده میزان و عدل در قضاوت‌ها و دادگاه‌هاست. در تصویر سمت راست پایین، تصویر یک مجسمه است که در دست راست وی، یک کتاب باز یا لوح، قرار دارد که منقوش به کلماتی است که می‌تواند قانون حمورابی و مانند آن باشد.

البته نویسنده محترم در پیش‌گفتار کتاب، به قضیه تصاویر روی جلد اشاره دارد و می‌گوید: «ضمناً قابل ذکر است تصاویر روی جلد، نشانگر این واقعیت است که امروزه و در جهان کنونی، دیگر عدالت، آسایش و نظم اجتماعی، با چشمان بسته و شمشیر آخته، تأمین و تضمین نخواهد شد، بلکه برای رسیدن به این اهداف، وجود دست‌هایی گشاده، چشمانی باز در چارچوب قانون عادلانه و مقررات خردمندانه، امری ضروری و حتمی است»^۸.

به نظر می‌رسد، هیچ‌کدام از این دو تصویر روی جلد، ارتباطی با بحث «نسب» و «تغییر جنسیت» ندارد؛ مخصوصاً «تغییر جنسیت» که از مباحث مهم چند دهه اخیر است که مناسب بود تصویر یک انسان در دو حالت پسر و دختر بودن نشان داده می‌شد و در خصوص «نسب» مناسب بود تصویر کودک یا کودکانی همراه با والدین آنها نشان داده می‌شد.

ضمناً قابل ذکر
است تصاویر روی
جلد، نشانگر این
واقعیت است
که امروزه و در
جهان کنونی، دیگر
عدالت، آسایش
و نظم اجتماعی،
با چشمان بسته
و شمشیر آخته،
تأمین و تضمین
نخواهد شد،
بلکه برای رسیدن
به این اهداف،
وجود دست‌هایی
گشاده، چشمانی
باز در چارچوب
قانون عادلانه و
مقررات خردمندانه،
امری ضروری و
حتمی است

عدم اختصاص حجم مناسب به بحث تغییر جنسیت

با توجه به عنوان کتاب، این نکته به نظر هر خواننده یا بیننده عنوان کتاب می‌رسد که کتاب فوق، مربوط به دو بحث مهم یعنی: نسب و تغییر جنسیت است و علی‌القاعده در اختصاص حجم کتاب، باید نیمی از حجم کتاب به بحث «نسب» و نیم دیگر به بحث «تغییر جنسیت» مربوط شود در حالی که حجم عمده کتاب، ۴۸۱ صفحه (صص ۲۳ تا ۵۰۴) به بحث نسب و ۵۱ صفحه (صص ۵۰۵ تا ۵۵۶) به بحث تغییر جنسیت اختصاص یافته است و این نسبت تقریباً برابر با یک‌نهم است که به هیچ وجه، حجم مناسبی به بحث نوپیدا و جدید تغییر جنسیت، اختصاص داده نشده است.

گویا نویسنده محترم خود متوجه این عدم اختصاص حجم مناسب به بحث تغییر جنسیت بوده و تأکید می‌کند که موضوع اصلی کتاب، «نسب و اولاد» است. وی می‌گوید: «موضوع اصلی و اساسی کتاب حاضر، نسب و اولاد است»^۱. و در دو صفحه بعد نیز تأکید می‌کند که «همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم موضوع بحث این کتاب، نسب و اولاد است»^۲.

عدم تطابق عنوان کتاب با محتوای آن

همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، این اثر درخصوص بحث «نسب و تغییر جنسیت از منظر حقوق ایران و حقوق فرانسه» است. از این نظر، میان حقوق دو کشور ایران و فرانسه مقایسه تطبیقی صورت گرفته است؛ در حالی که نویسنده محترم تأکید می‌کند که علاوه بر حقوق ایران و فرانسه، نسب و تغییر جنسیت از منظر فقه امامیه نیز صورت گرفته است. وی می‌گوید: «ما در فصول و مباحث آتی درخصوص نسبت [نسب] و اقسام و آثار و احکام آن بدو در حقوق اسلام خصوصاً در مذهب شیعه جعفری (فقه امامت) و سپس در حقوق ایران، فرانسه، مطالعه و بررسی نموده، ضمن تشریح و تطبیق مسائل مختلفه، وجوه اشتراک و افتراق آنها را در حقوق ایران و فرانسه و شرع مقدس اسلام بیان و به منظور تأیید مسائل نظری و عقاید ابرازی به آراء مهمی که در زمینه مسائل گوناگون نسب از محاکم یا دیوان کشور ایران و فرانسه صادر گردیده است، استناد می‌نماییم»^۱.

نتیجه آنکه با توجه به این‌که نویسنده محترم خود را متعهد می‌داند که دو مبحث «نسب و تغییر جنسیت» را از منظر فقه امامیه نیز مورد بررسی قرار دهد، مناسب است عنوان کتاب این‌گونه باشد: «مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه».

چاپ اول یا دوم

قرائن موجود نشان می‌دهد که این اثر به عنوان چاپ دوم به زیور طبع آراسته شده

فصلنامه نقدکتاب

فقه‌مفوق

سال اول، شماره ۲
تابستان ۱۳۹۴

۱۸

نتیجه آنکه با توجه به این‌که نویسنده محترم خود را متعهد می‌داند که دو مبحث «نسب و تغییر جنسیت» را از منظر فقه امامیه نیز مورد بررسی قرار دهد، مناسب است عنوان کتاب این‌گونه باشد: «مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه»

است؛ از جمله این که در شناسه کتاب، عبارت: «ویراست دوم» درج شده و نویسنده در مقدمه کتاب به چاپ دوم بودن این کتاب اشاره کرده و می گوید: «در چاپ دوم کتاب حاضر، تحت عنوان: مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه با توجه به تحولات علمی فرهنگی و اجتماعی علاوه بر تجدیدنظر در مطالب چاپ اول، عناوین جدیدی نظیر نسب ناشی از جنین اهدایی، رحم جایگزین یا رحم اجاره ای، تغییر جنسیت و آثار حقوقی آنها مورد بررسی قرار گرفته است».^{۱۳}

با این حال، در صفحه دوم کتاب آمده: «نشر میزان: مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، چاپ اول: بهار ۱۳۹۲».

البته این امر می تواند اشاره به این نکته باشد که این کتاب، چاپ اول این ناشر (میزان) است، ولی هیچ قرینه و شاهی نه از ناشر و نه از نویسنده محترم بیان نشده که چاپ اول این اثر کی و توسط چه ناشری به زیور طبع آراسته شده است.

چینش مطالب کتاب

مطالب کتاب مشتمل بر هفت فصل از این قرار است: فصل اول. نسب مشروع؛ فصل دوم. نسب ناشی از شبهه؛ فصل سوم. نسب ناشی از زنا؛ فصل چهارم. نسب ناشی از تلقیح مصنوعی؛ فصل پنجم. نسب ناشی از اهداء جنین؛ فصل ششم. فرزندخواندگی؛ فصل هفتم. تغییر جنسیت.

به نظر می رسد مناسب آن بود که با توجه به عنوان روی جلد، کتاب به دو بخش کلی: بخش اول. نسب؛ بخش دوم. تغییر جنسیت اختصاص می یافت و آن گاه «بخش نسب»، خود شامل شش فصل از این قرار می شد: فصل اول. نسب مشروع؛ فصل دوم. نسب ناشی از شبهه؛ فصل سوم. نسب ناشی از زنا؛ فصل چهارم. نسب ناشی از تلقیح مصنوعی؛ فصل پنجم. نسب ناشی از اهداء جنین؛ فصل ششم. فرزندخواندگی.

نکته دیگر در خصوص تبویب و چینش کتاب، آن است که کتاب مشتمل بر هفت فصل است و هر فصل مشتمل بر چند گفتار و هر گفتار دارای دو یا چند بخش است. در ادامه، ممکن است هر بخش با چند بند ادامه پیدا کند، ولی به نظر می رسد ترتیب منطقی و مرسوم این گونه باشد: بخش اول. نسب و بخش دوم. تغییر جنسیت و آن گاه بخش اول، مشتمل بر ۶ فصل و هر فصل مشتمل بر چند گفتار یا مبحث باشد.

فرزندخوانده به عنوان یکی از مصادیق نسب!

فصل ششم کتاب به بحث «فرزندخواندگی» مربوط می شود. از نظر نویسنده محترم، «فرزندخواندگی» یکی از مصادیق «نسب» است چه این که این بحث را در ذیل نسب بیان کرده است در حالی که «فرزندخواندگی» در ذیل قرابت یا خویشاوندی نمی گنجد؛ چه قرابت نسبی، چه سببی و چه رضاعی. نویسنده در تعریف «نسب» به

نقل از حقوق دانان می‌گوید: «نسب علاقه‌ای است بین دو نفر که به سبب تولد یکی از آنها از دیگری یا تولدشان از شخص ثالثی حادث می‌شود».^{۱۳} نویسنده دیگر در تعریف «نسب» می‌گوید: «نسب مصدر است و به معنی قرابت و خویشاوندی می‌باشد... نسب امری است که به واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید. از این امر، رابطه طبیعی خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد، موجود می‌گردد».^{۱۴}

با دو تعریف فوق، به خوبی معلوم می‌شود که «فرزندخواندگی»، «نسب» نیست، بلکه همان‌طور که از نام‌گذاری این اصطلاح حقوق برمی‌آید، پذیرش «مجازی یا غیرحقیقی» یک بچه به عنوان «فرزند» است. بنابراین، فرزندخوانده به طور حقیقی، فرزند محسوب نمی‌شود. نویسنده محترم در تعریف «فرزندخوانده» و به نقل از حقوق دانان می‌گوید: «نسب ناشی از فرزندخواندگی عبارت است از نسب بدلی و مصنوعی است که در نتیجه اقدام ارادی بین دو نفر، بدون آنکه رابطه نسب واقعی و خونی وجود داشته باشد، رابطه نسبی حقوق ایجاد می‌گردد».^{۱۵}

نیز، یکی دیگر از حقوق دانان فرانسه در این باره می‌گوید: «نسب حاصل از فرزندخواندگی، نسب صرفاً حقوقی است، نه نسب واقعی و بیولوژیکی که بر اثر درخواست شخصی بین او و شخص دیگری به طور مصنوعی رابطه پدرفرزندی یا مادرفرزندی ایجاد می‌شود و فرزندخوانده مزبور، قائم‌مقام و بدل فرزند مشروع است».^{۱۶}

با تعاریف فوق، معلوم می‌شود که اساساً «فرزندخواندگی» مشمول تعریف «نسب» نمی‌شود و تخصصاً از تعریف آن خارج است. نتیجه آن که درج بحث «فرزندخواندگی» در این کتاب، به عنوان یکی از مصادیق «نسب» ناصواب است.

فرزندخوانده یا یتیم‌نوازی

نویسنده محترم در ابتدای کتاب متعهد شده که مباحث را به صورت تطبیقی از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق فرانسه مورد بررسی قرار دهد!^{۱۷} ولی در خصوص «فرزندخواندگی» تصریح می‌کند که «با توجه به مطالب فوق‌الذکر معلوم می‌شود که در اسلام، فرزندخوانده از حدّ شمول خویشاوندی واقعی و قرابت نسبی و رضاعی در امر زناشویی خارج گردیده است و آثاری از این جهت بر آن مترتب نیست».^{۱۸}

ولی نویسنده در صفحات آینده کتاب، «فرزندخواندگی» را همانند «یتیم‌نوازی»، امری مقدّس و مورد تأکید اسلام معرفی کرده^{۱۹} و به این روایات استناد می‌کند: «بهترین خانه‌های شما، خانه‌ای است که در آن یتیمی احسان شود و بدترین خانه‌های شما، خانه‌ای است که با یتیمی بدرفتاری گردد».^{۲۰} و نیز حضرت علی علیه‌السلام در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر، دستور می‌دهد که مواظب یتیمان باشد و به وضع آنها رسیدگی کند و نیز در وصیت خود به فرزندانش می‌فرماید: «در

با تعاریف فوق، معلوم می‌شود که اساساً «فرزندخواندگی» مشمول تعریف «نسب» نمی‌شود و تخصصاً از تعریف آن خارج است. نتیجه آن که درج بحث «فرزندخواندگی» در این کتاب، به عنوان یکی از مصادیق «نسب» ناصواب است

مورد یتیمان از خدا بترسید! نکند که آنها را گرسنه بگذارید و در اثر بی سرپرستی، ضایع و تباه گردند».^{۲۱}

علاوه بر اشکال پیش گفته؛ یعنی عدم درج «فرزندخواندگی» تحت عنوان «نسب»، «یتیم‌نوازی» اگرچه مورد تأکید تعالیم اسلام است، ولی بحث اخلاقی «یتیم‌نوازی» از نهاد حقوقی «فرزندخواندگی» جداست؛ چه این که «فرزندخوانده» الزاماً «یتیم» نیست. در مواردی، «فرزندخوانده» دارای والدین نامعلوم (نه یتیم) است و در مواردی، «فرزندخوانده» دارای والدین معلوم و مشخص است، الا این که به هر دلیلی، مانند عدم صلاحیت اخلاقی یا فاقد توانایی جسمی و روحی بودن، به خواسته خود و یا به حکم دادگاه صالح، فرزند از آنان اخذ شده و در اختیار خانواده دیگری که نیازمند فرزند هستند، قرار می‌گیرد. البته راقم این سطور، انکار نمی‌کند که در مواردی، «فرزندخوانده»، از میان فرزندان «یتیم» است.

نکته دیگر آنکه حتی اگر «فرزندخواندگی» از طریق «یتیم‌نوازی» پذیرفته شود، هیچ‌گاه از منظر فقه امامیه، به معنای پذیرش «فرزندخوانده» به عنوان «فرزند» یا تحقق «نسب» نیست؛ چه این که خداوند در قرآن تأکید می‌فرماید: «... وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ»^{۲۲}؛ و پسرخواندگان را پسران [واقعی] شما قرار نداده است. این، گفتار شما به زبان شماست، ولی [خدا حقیقت را می‌گوید و] او [است که] به راه راست هدایت می‌کند. و در آیه بعد تأکید می‌کند: «أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^{۲۳}؛ آنان را به [نام] پدرانشان بخوانید که این نزد خدا عادلانه‌تر است و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، پس برادران دینی و موالی شمایند و در آنچه اشتباهاً مرتکب آن شده‌اید، بر شما گناهی نیست، ولی در آنچه دل‌هایتان عمد داشته است [مسئولید] و خداست که همواره آمرزنده مهربان است.

اشکالات وارد به بحث تغییر جنسیت

یکی از مباحثی که به طور مختصر در کتاب مورد بررسی قرار گرفته، بحث «تغییر جنسیت» است. به نظر راقم این سطور، علاوه بر اشکال پیش گفته؛ یعنی عدم اختصاص حجم مناسب به این بحث مهم، اشکالات دیگری نیز وارد است که به طور اختصار به مهم‌ترین آن اشاره می‌شود.

اشکال به تعریف تغییر جنسیت

نویسنده محترم در تعریف تغییر جنسیت می‌گوید: «تغییر جنسیت در موضوع بحث عبارت است از دگرگون شدن حالت و کیفیت مردانگی و زنانگی. به عبارت دیگر، تغییر جنسیت در انسان به معنای تغییر و دگرگونی فیزیکی به شکل خاص و تبدیل حالت

روانی و رفع روان‌پریشی است که در نظام حقوقی و علوم پزشکی نیز تغییر جنسیت همین مفهوم را دارد».

اشکال تعریف فوق این است که ناقص بوده و نمی‌تواند ناظر به تمام انواع تغییر جنسیت‌ها باشد. نویسندۀ محترم بدون این‌که رفرنس بدهد، ادعا می‌کند که در «نظام حقوقی» و «علوم پزشکی» نیز تغییر جنسیت همین مفهوم را دارد! معلوم نیست کدام نظام حقوقی این تعریف را ارائه داده است. آیا نظام حقوقی ایران یا فرانسه، کدام‌یک، این تعریف را بیان کرده‌اند؟! کاش به یک «کتاب پزشکی» ارجاع داده می‌شد که برای خوانندگان معلوم شود تعریف فوق به لحاظ پزشکی مورد تأیید است.

راقم این سطور معتقد است که می‌توان در اصطلاح، برای تغییر جنسیت، این تعریف را ارائه داد: «تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل یک فرد از مذکر به مؤنث، یا از مؤنث به مذکر، یا از خنثی به مذکر یا از خنثی به مؤنث، یا از مذکر به خنثی یا تبدیل مؤنث به خنثی».^{۲۴}

بررسی امکان تغییر جنسیت مرد به زن و برعکس

نویسندۀ محترم معتقد است که تغییر جنسیت واقعی مرد به زن و برعکس، صرف فرض است و واقع نمی‌شود. وی می‌گوید: «تغییر جنسیت به مفهوم واقعی آن و به معنای دقیق کلمه تغییر و تبدیل جنس مرد به زن مصداق ندارد و فرضی بیش نیست؛ همان‌طور که کارشناسان و متخصصان در علوم پزشکی گفته‌اند».^{۲۵} و در جای دیگر می‌گوید: «طبق نظر متخصصان، تغییر جنس واقعی مردانی که واقعاً مرد هستند و یا تغییر جنس واقعی زنانی که کاملاً و واقعاً زن هستند، امکان‌پذیر نیست».^{۲۶} در پاسخ باید گفت؛ اولاً، نویسندۀ محترم در دو نقل قول ذکرشده از ایشان، عدم امکان تغییر جنسیت را به کارشناسان و متخصصان در علوم پزشکی نسبت می‌دهد در حالی که هیچ رفرنسی بیان نمی‌کند و به هیچ منبعی ارجاع نمی‌دهد.

ثانیاً، ملاک مذکر و مؤنث، از نظر فقه و عرف و حتی از نظر پزشکی، به نوع «آلت تناسلی» وابسته است و «خنثی» کسی است که یا هر دو آلت را دارد یا اساساً فاقد آلت تناسلی است که نام دیگرش «مَمسوح» است. حال که ملاک مذکر و مؤنث بودن به داشتن «آلت تناسلی ویژه جنس» است، پس «تغییر جنسیت» با «تغییر آلت تناسلی» صورت می‌گیرد. از این‌رو، اگر مردی از طریق عمل جراحی، آلت تناسلی‌اش برداشته شود و به جای آن، مهبل پیوند زده شود و به همراه آن، یک سری ویژگی‌ها و علائم زنانه در وی به وجود آید، مانند رشد پستان، وی به زن تبدیل شده است و برعکس. چنین پدیده‌ای در عمل‌های جراحی تغییر جنسیت در عصر کنونی، صورت می‌پذیرد؛ بنابراین، تغییر جنسیت حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، «تغییر موضوع»

معلوم نیست کدام نظام حقوقی این تعریف را ارائه داده است. آیا نظام حقوقی ایران یا فرانسه، کدام‌یک، این تعریف را بیان کرده‌اند؟! کاش به یک «کتاب پزشکی» ارجاع داده می‌شد که برای خوانندگان معلوم شود تعریف فوق به لحاظ پزشکی مورد تأیید است

یعنی «تبدل موضوع مذکر به موضوع مؤنث و برعکس»، غیر قابل خدشه است و از نظر عرف، فقه و پزشکی، کسانی که این‌گونه تغییرات در آنها به وجود می‌آید، به عنوان افراد تغییر جنسیت یافته، تلقی می‌شوند؛ بنابراین، هیچ مشکلی از جهت «تغییر موضوع» به وجود نمی‌آید و مفهوماً و مصداقاً «تغییر و تبدیل موضوع» حاصل شده است.

ثالثاً، مهم‌ترین وظیفه فقیه «بیان احکام شرعی» است نه «تبیین موضوع» کما اینکه مهم‌ترین وظیفه حقوق‌دان بیان آثار حقوقی پدیده‌هاست. مثلاً در فقه گفته می‌شود: خون یا سگ یا خوک، نجس است، اما این‌که آیا این شیء، خون است یا نه، شأن فقیه نیست که در تعیین موضوعات دخالت کند، بلکه تعیین آن به عهده عرف است. نیز این‌که آیا تغییر جنسیت حاصل می‌شود یا نه، در صلاحیت فقیه یا حقوق‌دان نیست، بلکه بحث فقهی و حقوقی در فرض وجود موضوع است. به عبارت دیگر، فقیه و حقوق‌دان باید به این پرسش پاسخ دهد که اگر تغییر جنسیت حاصل شود، احکام و شرایط آن چیست. در فقه کم نیست فروضی که صرف فرض است با این حال، فقیهان گرانقدر با تلاش تحسین برانگیز خویش آن موضوعات فرضی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند و احکام شرعی ویژه آن را بیان داشته‌اند. حتی اگر در تحقق عرفی تغییر جنسیت، تردید وجود داشته باشد، باز می‌توان از نظر فقهی درباره آن، به صورت «اگری» بحث و گفت‌وگو کرد؛ یعنی اگر تغییر جنسیت امکان داشته باشد آیا جایز است یا نه و احکام و شرایط و ضوابط آن چیست؟

عدم بررسی بیماران اختلال هویت جنسی (تراجنسیتی‌ها)

نویسنده محترم بحث تغییر جنسیت را فقط در خصوص خنثی‌ها یا دوجنسی‌ها بررسی کرده است و درباره اقسام دیگر تغییر جنسیت، به‌ویژه تغییر جنسیت در تراجنسی‌ها (ترانس سکشوالیسم‌ها) هیچ مطلبی بیان نمی‌کند در حالی که اکثر تغییر جنسی‌ها در ایران یا سایر کشورها، در مورد این گروه از بیماران اختلال هویت جنسی است.

عدم بحث از تأثیر تغییر جنسیت بر نسب

یکی از آثار مهم تغییر جنسیت، تأثیر تغییر جنسیت بر نسب است. از آنجایی که محور اساسی کتاب بحث نسب است، مناسب بود در این باره، توضیح مفصلی داده می‌شود؛ در حالی که حتی یک سطر هم در این باره توضیح داده نشده است. به طور اختصار و بدون ورود در جزئیات بحث، توجه خواننده محترم را به این دو فتوای مرحوم امام خمینی در بحث تأثیر تغییر جنسیت بر قرابت نسبی و قرابت رضاعی، جلب می‌کنم:

۱. اگر هریک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهد و به جنس مخالف درآید، نسبت آن دو به یکدیگر قطع نمی‌شود، بلکه برادر، خواهر می‌شود و خواهر،

برادر و نیز اگر دو برادر یا دو خواهر تغییر جنسیت دهند و اگر عمومی تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمّه و اگر عمّه‌ای تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمو می‌شوند. همچنین با تغییر جنسیت، دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می‌شود.^{۲۷}

۲. آنچه در نزدیکیان نسبی گفته شد، در نزدیکیان رضاعی مانند پدر رضاعی، مادر رضاعی، برادر رضاعی، خواهر رضاعی و... نیز جریان دارد.^{۲۸}

عجله در نگارش بحث تغییر جنسیت

نکته مهمی که در نگارش بحث تغییر جنسیت در کتاب *مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه* به خوبی مشاهده می‌شود این است که مباحث مربوط به این قسمت با عجله نگارش یافته است. از این رو، موارد متعددی از عدم دقت مشاهده می‌شود. گاه کلی‌گویی صورت گرفته و مطالبی به پزشکان یا فقها نسبت داده شده که اولاً ناصواب است؛ ثانیاً هیچ آدرس یا فرنیسی برای آن ذکر نشده است؛ ثالثاً مطلبی در ص ۵۱۱ کتاب به کتاب: «تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق» ارجاع داده شده که آمار ذکر شده در کتاب اخیر، مربوط به «بیماران تراجنسیتی» است که نویسنده محترم به اشتباه این آمار را درباره «خنثی‌ها» بیان می‌کند. علاوه بر این، مطلب مربوطه در صفحه ۸۸ کتاب *تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق* آمده که ایشان به اشتباه صفحه ۲۸۸ را آدرس داده است.

نکته دیگر آنکه نویسنده محترم بارها تأکید می‌کند که تغییر جنسیت مرد به زن و برعکس، صرف فرض است و تحقق خارجی ندارد با این حال در صفحات بعد به تفصیل از آثار تغییر جنسیت سخن گفته است! (۲۹)

در موارد متعددی نیز مطالبی از کتاب *تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق* مطالبی نقل شده که هیچ‌گاه ارجاع داده نشده است و فقط یک مورد به این کتاب ارجاع داده شده که هم به لحاظ محتوا و به لحاظ ذکر شماره صفحه اشتباه صورت گرفته است. اغلاط تاییبی فراوان، می‌طلبد که نویسنده محترم در ویرایش و اصلاح اشکالات در چاپ‌های بعدی اهتمام بیشتری مبذول کند.

نتیجه‌گیری

بحث «نسب» و «تغییر جنسیت» از مباحث مهم حقوقی و مربوط به «حقوق خانواده» است که نویسنده کتاب *مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه* سعی کرده این دو مبحث را به‌طور تطبیقی از منظر «حقوق ایران» و «حقوق فرانسه» مورد بررسی تطبیقی قرار دهد و علاوه بر این، فراتر از عنوان روی کتاب، سعی کرده این دو بحث حقوقی را از نظر «فقه امامیه» هم مورد مطالعه قرار دهد. از این جهت، لازم

نویسنده محترم
بارها تأکید می‌کند
که تغییر جنسیت
مرد به زن و
برعکس، صرف
فرض است و تحقق
خارجی ندارد با این
حال در صفحات
بعد به تفصیل از
آثار تغییر جنسیت
سخن گفته است!

است عنوان روی جلد اصلاح شود تا بین عنوان کتاب و محتوای آن مطابقت وجود داشته باشد. همچنین از جهت تصویر روی جلد و این‌که این اثر ارزشمند، چاپ اول است یا دوم، اشکالی مطرح شد. به لحاظ ظاهری، چینش کتاب اشکال داشت و از این‌که «فرزندخواندگی» یکی از مصادیق «نسب» شمرده شده و نویسنده محترم تلاش کرده بود، این عنوان «حقوقی» را از طریق بحث اخلاقی «یتیم‌نوازی» توجیه فقهی کند، اشکالاتی مطرح شد. اشکال دیگر آن بود که حجم مناسبی به بحث «تغییر جنسیت» اختصاص داده نشده بود؛ در حالی که از ظاهر عنوان کتاب، این امر مستفاد می‌شود که لااقل نیمی از مباحث کتاب، مربوط به «تغییر جنسیت» است که نویسنده تلاش کرده از منظر حقوق ایران و فرانسه، مورد مطالعه تطبیقی قرار دهد. همچنین در بحث تغییر جنسیت، اشکالات متعدد دیگری بیان شده است.

پی‌نوشت

۱. برگرفته از زندگی‌نامه دکتر اسدالله امامی، نگاشته شده در پشت کتاب مورد بررسی در این مقاله.
۲. اسدالله امامی، مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، ص ۲۲.
۳. همان، ص ۲۲.
۴. همان، ص ۲۳.
۵. همان، ص ۲۷.
۶. همان، ص ۲۵.
۷. همان، ص ۲۷.
۸. همان، ص ۲۴.
۹. همان، ص ۲۴.
۱۰. همان، ص ۲۷.
۱۱. همان، ص ۲۸.
۱۲. همان، ص ۲۳.
۱۳. همان، ص ۲۹.
۱۴. سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۱۵۱.
۱۵. مازو، دروس حقوق مدنی، ج ۱، قسمت دوم، ش ۱۰۲۲؛ به نقل از اسدالله امامی، مطالعه تطبیقی...، ص ۴۴۹.
۱۶. ژان کاربینه، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۵۷۶، ش ۱۸۵، به نقل از اسدالله امامی، پیشین، ص ۴۴۹.
۱۷. اسدالله امامی، مطالعه تطبیقی...، ص ۲۸.
۱۸. همان، ص ۴۴۹.

۱۹. همان، ص ۴۸۰.
۲۰. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۴۸: «خَيْرُ بِيوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يَحْسَنُ إِلَيْهِ وَ سُرُّبِيوتِكُمْ بَيْتٌ يَسَاءُ إِلَيْهِ».
۲۱. سید رضی، نهج البلاغه، نامه شماره ۴۷: «الله الله في الايتام فلاتغبوا افواههم و لا يضيعوا بحضرتکم».
۲۲. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۴.
۲۳. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۵.
۲۴. محمد مهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، ص ۴۷.
۲۵. اسدالله امامی، پیشین، ص ۵۰۷.
۲۶. همان، ص ۵۰۹.
۲۷. روح الله (امام) خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹.
۲۸. همان.
۲۹. اسدالله امامی، پیشین، ص ۵۲۵ به بعد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم، با ترجمه آیه الله ناصر مکارم شیرازی.
- امامی، اسدالله؛ مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، تهران: میزان، ۱۳۹۲ ش، چ اول.
- امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ ش.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم: مکتبه اعتماد الکاظمی، ۱۳۶۶ ش، چ ششم.
- رضی، محمد بن ابی احمد (معروف به سید رضی)؛ نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، قم: مشرقین، ۱۳۷۹ ش، چ چهارم.
- کاکرینه، ژان؛ حقوق مدنی، ج ۱، به نقل از اسدالله امامی، مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه.
- کریمی نیا، محمد مهدی؛ تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۹ ش، چ اول.
- مازو، دروس حقوق مدنی، ج ۱، به نقل از اسدالله امامی، پیشین.
- نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.